

# رشد جمعیت

## در ایران

### و نیازهای ناشی از آن

(قسمت اول)

سخنرانی خانم کاظمی پور

سه حالت افزایش جمعیت داریم، یکی اینکه هر دو میزان (نرخ مرگ و میر و «نرخ موالیده» بالا هستند و رشد جمعیت ناچیز، حالت دوم اینکه مرگ و میر کاهش پیدا میکند ولی موالیده هنوز کاهش نیافته و نرخ رشد جمعیت بالاست و حالت سوم اینکه موالیده هم متعاقب مرگ و میر کاهش می یابد و نرخ رشد جمعیت نیز مجدداً کاسته می گردد.

و به همین جهت تنها عواملی که در رشد یا تغییر جمعیت جهان مؤثر است زاد و ولد و مرگ و میر می باشد، که اگر میزان هر دو نرخ بالا باشد یعنی هم میزان موالید در جهان زیاد باشد و هم مرگ و میر زیاد باشد در نتیجه نرخ افزایش کل جمعیت ناچیز خواهد بود، و اگر نرخ مرگ و میر کم باشد ولی نرخ موالید زیاد باشد نرخ افزایش جمعیت شدید خواهد بود و اگر هر دو کم باشند باز نرخ افزایش جمعیت کم خواهد بود. پس ما در اینجا سه حالت افزایش جمعیت داریم یکی اینکه هر دو میزان بالا هستند و رشد جمعیت ناچیز، حالت دوم اینکه مرگ و میر کاهش پیدا می کند ولی موالید هنوز کاهش نیافته و نرخ رشد جمعیت بالاست و حالت سوم اینکه موالید هم متعاقب مرگ و میر کاهش می یابد و نرخ رشد جمعیت نیز مجدداً کاسته می گردد. جمعیت جهان دو مرحله اول و دوم را پشت سر گذاشته است.

مرحله اول از بدو پیدایش انسان تا اوایل انقلاب پزشکی و صنعتی بوده یعنی رشد جمعیت جهان بسیار کند و ناچیز بوده و رقم رشد جمعیت در حد کمتر از یک در هزار یا یک دهم درصد بوده است. چنانکه بیان کردیم علت ناچیز بودن رشد جمعیت، بالا بودن میزان مرگ و میر و عدم دستیابی انسان به انواع

داروها بوده که اصلاً کشف با ابداع نشده بودند و به همین جهت مرگ و میر خیلی بالا بوده و موالید هم در حد بسیار بالایی قرار داشت، ولی مرگ و میر بالا آنرا خنثی می کرد و رشد جمعیت به کندی صورت می گرفت. مرحله دوم رشد جمعیت، یعنی کاهش میزان مرگ و میر و عدم تغییر در میزان موالید از اوایل انقلاب پزشکی و صنعتی تا اوایل قرن بیستم (برای کشورهای صنعتی) ادامه داشته است بدین ترتیب که به دنبال کشف داروهای مختلف و تحول در وضع بهداشتی کشورهای پیشرفته کنونی میزان مرگ و میر به تدریج کاهش یافت و این کاهش باعث افزایش طول عمر انسانها و افزایش میزان موالید نیز گردید در نتیجه میزان موالید نیز که در حداکثر طبیعی بوده اندکی افزایش یافته در نتیجه رشد جمعیت به تدریج اضافه گردید. این مرحله تغییر جمعیت در قرون ۱۷ تا ۱۹ در کشورهای صنعتی و از اواخر قرن نوزدهم تا کنون در کشورهای در حال توسعه ادامه داشته است. رشد طبیعی جمعیت (حاصل تفاضل میزان مرگ و میر از میزان موالید) در این دوره به حداکثر خود یعنی در حد ۳۵ در هزار یا ۲/۵ درصد نیز رسید.

مرحله سوم تغییرات جمعیتی یعنی کاهش میزان موالید و بدنبال آن کاهش میزان مرگ و میر از اوایل قرن بیستم در کشورهای صنعتی آغاز گردیده و در این کشورها به دنبال افکار مالتوس که اظهار می داشت جمعیت با تصاعد هندسی و مواد غذایی با تصاعد حسابی رو به افزایش می باشد و اگر جمعیت جهان با چنین وضعی تغییر کند با کمبود مواد غذایی و در نتیجه با بحران جمعیت مواجه خواهیم شد، برنامه های تحدید موالید اشاعه یافت و به تدریج از میزان موالید کاسته گردید.

مرحله سوم تغییرات جمعیتی در اکثر کشورهای صنعتی و برخی از کشورهای در حال توسعه آغاز گردیده و ادامه نیز دارد و حتی با سالخورده تر شدن جمعیت در کشورهای

مطالبی را که درباره رشد جمعیت ایران و نیازهای ناشی از آن برایتان بحث خواهم نمود به ۳ قسمت تقسیم نموده ام.

الف - روند کلی تحولات جمعیت جهان و جمعیت ایران.

ب - بررسی شاخص های عمده جمعیتی در ایران طی دهه گذشته و پیش بینی این شاخص ها برای ۱۰ سال آینده.

ج - تجزیه و تحلیل کلی افزایش جمعیت ایران در ارتباط با توسعه اقتصادی اجتماعی و تأثیر و تأثر متقابل آنها با هم.

الف - روند کلی تحولات جمعیت جهان و جمعیت ایران: ابتدا جمعیت را خدمتتان تعریف می کنم. ما از نظر جمعیت شناسی، جمعیت را گروهی تعریف می کنیم که به طور مستمر در یک واحد جغرافیائی (مانند کشور، استان، شهرستان، شهر و روستا) به صورت خانوار و یا خانواده زندگی می کنند. پس زمانی که ما از جمعیتی صحبت می کنیم باید منطبق آن را مشخص کنیم که منظور ما، جمعیت کجاست. مثلاً منظور ما جمعیت ایران است، جمعیت جهان و یا جمعیت قاره آسیاست.

به طور کلی نرخ افزایش جمعیت حاصل تفاوت نرخ زاد و ولد و نرخ مرگ و میر است. البته مسئله مهاجرت هم مؤثر است ولی چون ما فعلاً روی جمعیت جهان بحث می کنیم دیگر مهاجرتی از سایر کرات به کره خودمان نداریم

اروپائی گاهی رشد جمعیت در این کشورها به رقم منفی (بیشتر بودن میزان مرگ و میر از میزان موالید) نیز رسیده است ولی در اکثر کشورهای در حال توسعه میزان موالید کاهش نیافته و در صورت کاهش ناچیز میزان مرگ و میر و بخصوص مرگ و میر اطفال نیز در این کشورها هنوز رو به کاهش می‌باشد. در نتیجه رشد جمعیت آنها روند کاهشی پیدا نکرده است و علت اساسی افزایش جمعیت جهان نیز افزایش جمعیت این گروه از کشورها می‌باشد. طبق برآوردهایی که به عمل آمده در چند سده پیش از اسلام یا شاید در حدود سالهای اول میلادی جمعیت جهان در حد ۲۵۰ میلیون نفر بوده است و شاید بشود گفت که نزدیک به ۲ هزار سال طول کشید تا جمعیت جهان به مرز ۵۰۰ میلیون نفر رسید یعنی از اوایل میلاد مسیح تا نزدیک سالهای ۱۶۵۰ میلادی (سالهای شروع انقلاب پزشکی) جمعیت جهان از ۲۵۰ میلیون نفر به ۵۰۰ میلیون نفر رسید و در دوره بعد فقط در عرض ۲۰۰ سال از ۱۶۵۰ تا ۱۸۵۰ مجدداً جمعیت جهان دو برابر شد و به یک میلیارد نفر رسید. پس از آن در عرض ۹۰ سال یعنی از سال ۱۸۵۰ تا سال ۱۹۴۰ مجدداً جمعیت جهان دو برابر شد و به ۲ میلیارد نفر رسید پس از آن از سال ۱۹۴۰ تا سال ۱۹۸۰ جمعیت جهان به ۴ میلیارد نفر رسید و در سال ۱۹۸۸ طبق آخرین آماري که سازمان ملل منتشر کرده یعنی دقیقاً در اول تیر ماه ۱۳۶۷ جمعیت جهان از مرز ۵ میلیارد نفر گذشته است و پیش بینی می‌شود که تا سال دو هزار جمعیت جهان به بالای ۶ میلیارد نفر برسد.

روند تحولات جمعیتی کشورهای پیشرفته از مرحله اول به مرحله سوم را مرحله انتقالی جمعیت می‌نامند یعنی جمعیت از یک رشد ناچیز حرکت کرده و بعد از حدود دو قرن مجدداً به همان رشد ناچیز رسیده است ولی مرحله اول موالید بالا و مرگ و میر بالا بوده در نتیجه جمعیت بسیار جوان بوده است ولی

در مرحله دوم هم موالید و هم مرگ و میر به حدی اقل رسیده است و در نتیجه جمعیت سالخورده می‌باشد.

کشورهای در حال توسعه مرحله اول جمعیتی را پشت سر گذاشته و مرحله دوم را آغاز نموده‌اند ولی زمان پایان مرحله دوم و آغاز مرحله سوم قابل پیش بینی نیست و معلوم نیست که چه وقت حادث خواهد شد. البته باید اشاره نمود که در بعضی از کشورهای در حال توسعه این مرحله (مرحله سوم) تا حدودی آغاز شده است مثل سنگاپور و برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی که دولتهای آنها با اتخاذ تدابیر و سیاستهای کنترل موالید میزان موالید را در کشورشان کاهش داده‌اند و به مرحله سوم جمعیتی نزدیک می‌شوند ولی بیشتر کشورهای در حال توسعه (بخصوص کشورهای اسلامی) که عمده ترین سهم جمعیت جهان را نیز دارا هستند اصلاً سیاستهای جمعیتی و کنترل موالید اتخاذ نموده و موالیدشان در سطح بالائی قرار داشته و رشد جمعیت آنان چشمگیر می‌باشد.

در مورد روند افزایش جمعیت ایران، تقریباً می‌شود گفت که ایران هم یک نمونه از کشورهای در حال توسعه است که تا قبل از سالهای ۱۳۰۰ شمسی در مرحله اول جمعیتی بسر می‌برد، یعنی موالید و مرگ و میر بالا و رشد جمعیت کند بود، ولی پس از سالهای ۱۳۰۰ به تدریج با ورود امکانات بهداشتی درمانی به کشور، توسط سازمان بهداشتی جهانی میزان مرگ و میر کاهش یافت. به عنوان مثال در کشور سیلان در عرض یکسال فقط با داروی «دیت» میزان مرگ و میر اطفال در حد ۵۰ در هزار کاسته گردید. یعنی با ورود امکانات بهداشتی درمانی به کشورهای در حال توسعه شاید در مدت خیلی کوتاهتر از زمانی که در کشورهای صنعتی گذار از مرحله اول به مرحله دوم جمعیتی طول کشید و مرگ و میرشان کاهش پیدا کرد در این کشورها مرگ و میر کاهش یافت. بدین علت که کشورهای صنعتی به تدریج به اکتشافات و ابداعات

پزشکی دست یافتند ولی این امکانات به یک باره به کشورهای در حال توسعه وارد گردید و اکثر مردم توانستند از آن بهره‌مند گردند.

بخصوص میزان مرگ و میر اطفال که در این کشورها خیلی بالا بود به سرعت رو به کاهش نهاد. از جمله در ایران طبق آماري که ما به آن دست یساقیم جمعیت ایران در سال ۱۳۰۰ حدود ۱۱ میلیون نفر بوده و با رشد بسیار ضعیف که البته نسبت به گذشته بهتر بوده است این رقم تا سال ۱۳۲۵ به حدود ۱۵ میلیون نفر رسید یعنی در عرض ۲۵ سال جمعیت ایران فقط ۴ میلیون نفر افزایش پیدا کرد. در سال ۱۳۲۵ جمعیت ایران به ۱۸/۹ میلیون نفر رسید. جمعیت ایران، در سال ۱۳۴۵ به ۲۵ میلیون نفر، در سال ۱۳۵۵ به ۳۳/۷ میلیون نفر و بالاخره در سال ۱۳۶۵ به ۴۹/۴ میلیون نفر رسید که می‌شود گفت در عرض ۶۵ سال جمعیت ۱۱ میلیونی ایران به ۵۰ میلیون نفر رسید یعنی تقریباً ۵ برابر شد.

در بررسی تحولات جمعیتی در ایران طی دوره فوق به دو پدیده جمعیتی برمی‌خوریم، یعنی جمعیت ایران در این دوره اولاً دارای رشد مثبت بوده (چون برخی از جوامع هستند که از نظر جمعیتی دارای رشد منفی هستند یعنی کاهش جمعیت دارند و برخی دیگر دارای رشد صفر هستند یعنی جمعیتشان تغییر نمی‌کند) و ثانیاً رشد مثبت جمعیتی در ایران فزاینده گردیده است، یعنی سرعت دو برابر شدن جمعیت در ایران بیشتر شده و یا به عبارت دیگر زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت کوتاهتر شده است. من اگر رقم رشد جمعیت را خدمتتان بگویم شاید روشن بشود. از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۱۵ رشد جمعیت ایران حدود ۱/۲ درصد در سال بوده، یعنی در ازاء هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در یکسال ۱۴ نفر به جنسیت ایران اضافه می‌شده است. از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۲۵ رشد جمعیت در ایران به ۲ درصد یا ۲۰ در هزار رسیده و از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۵ رشد جمعیت در ایران به ۲/۴ و از

سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۵ رشد جمعیت ایران به ۲/۸ درصد، از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۵۵ این رشد به ۳ درصد و از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵ رشد جمعیت ایران به ۲/۸ درصد در سال رسیده است. آخرین رقم رشد جمعیت در ایران در تمام طول تاریخ ایران منحصر به فرد می باشد و شاید بشود گفت که تا به حال چنین رشدی مشاهده نشده است. ما این رقم را با رشد جمعیت تمام کشورهای جهان که به آمار آنها دسترسی داریم مقایسه کردیم، می توان گفت که رشد جمعیت در ایران از زمره بالاترین ضرایب رشد جمعیت، در جهان می باشد. البته این رقم رشد طبیعی جمعیت می باشد. کشورهای هستند که میزان مولیدشان از ما هم بیشتر است. مثل عربستان،

تعداد جمعیت ۶۰ مان جامعه تقسیم کنیم و حاصل آنرا در هر سال ضرب کنیم تا به میزان مولید بدست می آید. میزان مولید در کشورهای مختلف جهان در حال حاضر از حداقل ۸ در هزار در کشور سوئیس تا حداکثر ۵۰ در هزار (مطلقاً به کشور آفریقای کنیا) متغیر است. پس می بینیم میزان مولید در کشورهای مختلف حداکثری دارد که می شود گفت این حداکثر طبیعی است ولی برای حداقل ما معمولاً کلمه طبیعی را به کار نمی بریم چون کنترل شده است. امکان رساندن میزان مولید تا حد کمتر از ۱۰ و ۸ در هزار هم وجود دارد ولی چون جمعیت های کشورهای اروپایی معمولاً سالخورده هستند و اگر میزان مولیدشان کمتر از این بشود با بحران جمعیت

بیشتر شده و شاید در سال ۲۰۲۰ در هزار و اگر خورشید بینانه برخورد کند تقسیم به ۴۴ در هزار رسیده است. از دید جمعیت شناسی ما این نوع میزانها را میزانهای بحرانی می گوئیم.

میزان مرگ و میر برابر خارج قسمت تعداد متوفیات یک سال در هر جامعه به تعداد کل جمعیت همان جامعه در همانسال، ضربدر ۱۰۰۰ می باشد. این میزان در میان کشورهای مختلف مطابق آمارهایی که در دست داریم از حداقل ۴ در هزار (مربوط به کشور فی جی) تا حداکثر ۲۷ در هزار (مربوط به کشور افغانستان) نوسان دارد. در گذشته حداکثر طبیعی میزان مرگ و میر حدود ۳۵ در هزار بوده ولی در حال حاضر با توجه به دسترسی اندک به امکانات بهداشتی و درمانی، میزان مرگ و میر مثلاً در افغانستان به ۲۷ در هزار رسیده است. کشورهای که امکانات بهداشتی،

درمانی آنها وسیع و زیاد هست و همچنین دارای جمعیت های جوانی می باشند میزان مرگ و میرشان به ۴ تا ۵ در هزار رسیده است. مثلاً میزان مرگ و میر در کشور اسرائیل برابر ۶ در هزار و در ژاپن برابر ۷ در هزار می باشد. میزان مرگ و میر در ایران بر اساس آخرین آمار که ما به آن دست یافتیم (همان آمارگیری مرکز آمار ایران با کمک سازمان ملل متحد در

سال ۱۳۵۳) معادل ۱۰ در هزار می باشد. یعنی در اصل برخلاف میزان مولید که کنترل نشده است میزان مرگ و میر به رقم حداقل نزدیکتر می باشد. علت این کاهش هم نه فقط دسترسی به امکانات بهداشتی درمانی است بلکه جوانی جمعیت نیز از عوامل اساسی این کاهش میزان مرگ و میر می باشد.

چون همه ما می دانیم که امکانات بهداشتی درمانی ما از کشور انگلستان که بیشتر نیست. در کشور انگلستان میزان مرگ و میر عمومی برابر ۱۲ در هزار است. علتش اینست که آنها جمعیتشان سالخورده است و مرگ و میرشان اکثراً مرگ و میرهای ناشی از سالخوردگی جمعیت یا بیماریهای صعب العلاج و بیماریهای

... از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵ رشد جمعیت ایران به ۳/۹ درصد در سال رسیده است. چنین رشدی در تمام طول تاریخ ایران منحصر به فرد می باشد و ما این رقم را با رشد جمعیت تمام کشورهای جهان که به آمار آنها دسترسی داریم مقایسه کردیم، می توان گفت که رشد جمعیت در ایران از زمره بالاترین ضرایب رشد جمعیت در جهان می باشد. کشورهای هستند که میزان مولیدشان از ما بیشتر است مثل عربستان، ولی آنها میزان مرگ و میرشان هم از کشور ما بیشتر است و به همین دلیل رشد جمعیت آنان از رشد جمعیت ما کمتر است.

روبرو خواهند شد. در حال حاضر سیاستهای جمعیتی این کشورها کاهش مولید نیست بلکه برخی از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه سیاستهای افزایش میزان مولید را اتخاذ نموده و اعمال می نمایند.

میزان مولید در ایران در سال ۱۳۵۳ بر اساس نتایج آمارگیری وسیعی که مرکز آمار ایران با کمک سازمان ملل متحد انجام داد برابر ۴۳ در هزار بدست آمده که اگر این رقم را با ارقام حداکثر و حداقلی که در فوق بیان شد مقایسه کنیم حدوداً به حداکثر نزدیکتر است. بر اساس برآوردی که ما برای جمعیت ایران به عمل آوردیم میزان مولید در ایران طی سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵ از رقم ۴۳ در هزار نیز

ولی آنها میزان مرگ و میرشان هم از کشور ما بیشتر است و به همین جهت رشد جمعیت آنان از رشد جمعیت ما کمتر است. اگر جمعیت ایران با همین روندی که در ده ساله اخیر (۱۳۵۵-۶۵) داشته افزایش پیدا کند پس از ۱۸ سال یعنی تا سال ۱۳۸۳ برابر ۱۰۰ میلیون نفر خواهد شد. البته من جمعیت ایران را برای مقاطع مختلف پیش بینی کرده و به شاخص هایی رسیده ام که بعداً ارائه خواهم نمود. قبل از اینکه مبحث دوم عرایض را آغاز کنم کمی راجع به مرگ و میر و مولید بحث می کنم. شاخص مولید یا میزان مولید عبارتست از تعداد متولدین یا نسبت متولدین به جمعیت هر سال. یعنی اگر تعداد متولدین جامعه ای را به

قلبی و عروقی می باشد، در صورتی که در کشور ما مرگ و میرها، بیشتر مرگ و میر اطفال و در سنین پائین تر است. یعنی عمر متوسط در جامعه ما حدود ۶۲ سال و در کشورهای پیشرفته بالای ۷۵ سال می باشد. پس میزان مرگ و میر به تنهایی نمی تواند شاخص مناسبی برای کاهش، افزایش و یا رشد جمعیت باشد. به منظور مقایسه بهتر میزان دیگری به نام میزان مرگ و میر اطفال را مورد استفاده قرار می دهند. میزان مرگ و میر اطفال از حداقل ۷ در هزار (مربوط به کشور ژاپن) تا حداکثر ۲۵۰ در هزار (مربوط به کشور افغانستان) نوسان دارد. یعنی جوامعی هستند که در ازاء هر هزار نوزادی که در طول یک سال در جامعه اشان متولد می شوند فقط ۷ بچه تا سن یکسالگی می میرند و در جامعه ای در ازاء هر ۱۰۰۰ نوزادی که در طول یکسال متولد می شوند تا پایان یکسالگی ۲۵۰ نوزاد از بین می روند. در اکثر کشورهای صنعتی میزان مرگ و میر اطفال کمتر از ۲۰ در هزار می باشد. ولی در کشورهای در حال توسعه میزان مرگ و میر اطفال از ۱۰۰ در هزار بالاتر است. در کشور ما بر اساس نتایج آمارگیری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۵۳ میزان مرگ و میر اطفال برابر ۱۰۰ در هزار بدست آمده در صورتی که وزارت بهداشت طی یکی دو سال اخیر مدعی است که توانسته میزان مرگ و میر اطفال را کم کند. علت اینکه می گویم مدعی است برای اینکه آمارگیری نشده و تا زمانی که آمارگیری نشود معلوم نیست که آیا واقعیت دارد یا نه؟

البته شواهد نشان می دهد که میزان مرگ و میر اطفال در ایران کم شده است. رقمی که وزارت بهداشت داده برابر ۶۷ در هزار می باشد ولی هنوز میزان مرگ و میر اطفال در ایران بالا است.

رابطه بین میزان موالید و میزان مرگ و میر در یک کشور تعیین کننده ساختمان سنی جمعیت در آن کشور است. یعنی اگر شما

بخواهید جمعیت یک کشور را بشناسید کافی است که میزان موالید، میزان مرگ و میر عمومی و میزان مرگ و میر اطفال را در اختیار داشته باشید. اگر میزان موالید در جامعه ای بالا باشد و میزان مرگ و میر اطفال هم نسبتاً بالا باشد می گوئیم آن جامعه دارای جمعیت جوان هست. ولی اگر جمعیتی موالیدش پائین باشد و مرگ و میر اطفالش هم پایین باشد آن جمعیت یک جمعیت سالخورده می باشد. یا اگر با هرم سنی جمعیت آشنا باشید، قاعده هرم سنی جمعیت در کشورهای در حال توسعه وسیع تر از قاعده هرم سنی در کشورهای صنعتی است.

ب - بررسی شاخص های عمده جمعیتی در

قرار داریم ۸ میلیون نفر اضافه خواهد شد و در پایان ۵ سال به ۵۸ میلیون نفر خواهد رسید. در سال ۱۳۷۵ جمعیت ما به ۶۸ میلیون نفر خواهد رسید، یعنی ۱۰ میلیون نفر افزایش خواهیم داشت. چون هر چه جمعیت زیادتر شود حتی اگر رشدش را هم کندتر کنیم مقدار افزایش آن بیشتر خواهد شد. جمعیت ایران در سال ۱۳۸۰ به ۷۸/۶ میلیون نفر و در سال ۱۳۸۵ به ۸۹/۷ میلیون نفر خواهد رسید. البته این پیش بینی بر اساس دید خوشبینانه است، یعنی در صورت اعمال سیاستهای جمعیتی، (سیاستهای جمعیتی به سرعت قابل اعمال نیستند) ولی اگر جابجایی های جمعیت یعنی مهاجرت های

**میزان مرگ و میر در ایران بر اساس آخرین آمار معادل ۱۰ در هزار می باشد، یعنی بر خلاف میزان موالید که کنترل نشده است، میزان مرگ و میر به رقم حداقل نزدیکتر می باشد. علت این کاهش هم نه فقط دسترسی به امکانات بهداشتی درمانی است بلکه جوانی جمعیت نیز از عوامل اساسی این کاهش میزان مرگ و میر می باشد.**

ایران طی دهه گذشته (۶۵ - ۱۳۵۵) و پیش بینی این شاخص ها برای ۱۰ سال آینده:

میزان موالید طی گذشته تاریخ تا به حال تغییری نکرده و به خصوص طی دهساله اخیر افزایش هم پیدا کرده است. میزان مرگ و میر از سال ۱۳۰۰ به بعد به تدریج کاهش پیدا کرده یعنی از رقم ۳۰ در هزار به ۱۰ در هزار رسیده است. مرگ و میر اطفال هم قبلاً خیلی بالا بوده و بتدریج کاهش یافته و به حدود ۶۸ در هزار و یا حتی کمتر رسیده است.

شاخص های عمده جمعیتی را با رشد کمتر از ۳/۹ درصد در سال یعنی با رشد ۳/۴ درصد که بتدریج نیز کاهش پیدا می کند تا سال ۱۳۸۵ پیش بینی کرده ام. این ارقام را من ۵ سال ۵ سال پیش بینی کرده ام. یعنی اولین ارقامی که ارائه می کنم مربوط به سال ۱۳۶۰ می باشند. بر اساس این پیش بینی جمعیت ۵۰ میلیونی ایران در عرض ۵ سالی که هنوز در جریانش

برون مرزی (مهاجرت های از داخل به خارج و از خارج به داخل) مانند مهاجرت های افغانها به ایران کنترل شود جمعیت ایران تا سال ۱۳۸۵ یعنی ۲۰ سال بعد از سرشماری سال ۱۳۶۵ به نزدیک ۹۰ میلیون نفر خواهد رسید.

تعداد خانوارهای ساکن در ایران در سال ۱۳۶۵ برابر ۹/۶۰۰ هزار خانوار بوده که با همان دید خوشبینانه تعداد خانوارها در سال ۱۳۸۵ به ۱۸/۹۰۰ هزار خواهد رسید، یعنی دو برابر خواهد شد. در اینجا فرض نمودیم که بعد خانوارها تا سال ۱۳۸۵ محدودتر خواهد شد.

چون در صورتی جمعیت رشدش کند می شود که تعداد فرزندان مقداری کنترل شود و اگر تعداد فرزندان اندکی کنترل شود بالطبع بعد خانوار هم محدودتر خواهد شد. البته کاهش آن ناچیز است و از ۵/۱ نفر در مبدأ (سال ۱۳۶۵) به ۴/۷ نفر در هر خانوار در سال منتها (سال ۱۳۸۵) می رسد. محاسبه دیگری که بعمل آوردم در مورد مسکن هست. نسبت خانوار به

واحد مسکونی در ایران در سال ۱۳۶۵ برابر ۱/۱۶ بوده، یعنی در ازاء هر ۱۰۰ واحد مسکونی ۱۱۶ خانوار وجود داشته این رقم نشان می‌دهد که بعضی از واحدهای مسکونی وجود داشتند که دو یا سه خانوار در آنها اسکان داشته‌اند، در نتیجه رقم واحد مسکونی کمتر از رقم خانوار است. تعداد واحدهای مسکونی موجود در ایران در سال ۱۳۶۵ برابر ۸۰۲۰۰۰۰۰ بوده که اگر تا سال ۱۳۸۵ نسبت خانوار به واحد مسکونی در حد ۱/۱۶ باقی بماند یعنی اگر هیچ سیاستی برای کم کردن تراکم‌ها اعمال نشود، تعداد واحدهای مسکونی برای اسکان خانوارهای

می‌نامند. تراکم نسبی جمعیت در ایران قطعاً افزایش یافته و این محرز است چون مساحت ایران برابر ۱،۶۴۸،۰۰۰ کیلومتر مربع ثابت بوده ولی جمعیت به تدریج زیاد می‌شود.

تراکم نسبی جمعیت در ایران در سال ۱۳۳۵ برابر ۱۲ نفر، در سال ۱۳۴۵ مساوی ۱۶ نفر، در سال ۱۳۵۵ برابر ۲۰ نفر و در سال ۱۳۶۵ برابر ۳۰ نفر در هر کیلومتر مربع بوده که برای دوره‌های ۵ ساله تا سال ۱۳۸۵ به ترتیب به ۴۱، ۴۷، ۵۴ و ۶۱ نفر در هر کیلومتر مربع خواهد رسید.

این رقم در مقایسه با اکثر کشورهای جهان ناچیز است و اکثر کسانی هم که می‌گویند خاک

**میزان مرگ و میر به تنهایی نمی‌تواند شاخص مناسبی برای کاهش و افزایش و یا رشد جمعیت باشد. به منظور مقایسه بهتر میزان دیگری بنام میزان مرگ و میر اطفال را مورد استفاده قرار می‌دهند. میزان مرگ و میر اطفال از حداقل ۷ در هزار (مربوط به کشور ژاپن) تا حداکثر ۲۵۰ در هزار (مربوط به کشور افغانستان) نوسان دارد.**

ساکن در ایران در سال ۱۳۸۵ برابر ۱۶،۸۰۰،۰۰۰ می‌باشد، یعنی دو برابر سال ۱۳۶۵. بنابراین طی ۲۰ سال آینده معادل کل واحدهای مسکونی موجود در سال ۱۳۶۵ باید واحد مسکونی جدید احداث گردد. البته استهلاک واحدهای مسکونی قبلی را در نظر نگرفته‌ام. طی دهساله ۶۵-۱۳۵۵ اگر ما متوسط سالانه را حساب کنیم سالی ۳۰۰،۰۰۰ واحد مسکونی در ایران ساخته شده در صورتیکه در مقاطع آینده بطور متوسط باید سالی ۴۰۰ هزار واحد مسکونی ساخته بشود. البته این رقم از ابتدا (سال ۱۳۶۵) برابر ۳۵۰ هزار است، بعد ۴۰۰ هزار، بعد ۴۴۰ هزار و در دوره آخر به ۵۰۰ هزار می‌رسد که میانگین ۲۰ ساله حدود ۴۰۰ هزار می‌شود.

شاخص دیگری که در مورد جمعیت داریم تراکم نسبی جمعیت است، یعنی ارتباط جمعیت با مساحت. خارج قسمت تعداد جمعیت به مساحت را تراکم نسبی جمعیت

مساحت اراضی قابل کشت یا تحت کشت. البته اگر زمینهای تحت کشت را در نظر بگیریم رقم تراکم بیش از زمانست که زمینهای قابل کشت را بگیریم. در مورد ایران به استناد آمارهای خامی که وزارت کشاورزی در مورد اراضی زیر کشت داده تراکم زیستی را محاسبه نموده‌ام. تراکم زیستی جمعیت در سال ۱۳۵۵ حدود ۳۲۰ نفر در هر کیلومتر مربع بوده که در سال ۱۳۶۵ به ۴۵۰ نفر رسیده است. به این تعبیر می‌شود گفت که در این دوران (۶۵-۱۳۵۵) علیرغم افزایش جمعیت، اراضی تحت کشت ما افزایش نداشته و چه بسا کاهش نیز داشته است. البته رقمش هم کاهش نشان داده است. که من به این رقم شک کردم ولی رقمی است که رسماً در سالنامه آماری وزارت کشاورزی برای اراضی آبی و دیمی داده شده است. محاسبه دیگری که در مورد جمعیت ایران به عمل آوردم تعداد متولدین برای سالهای آینده می‌باشد. طی دهساله ۶۵-۱۳۵۵ تعداد متوسط متولدین در هر سال برابر ۱،۸۰۰،۰۰۰ نفر بوده است. تعداد متوسط متولدین برای سالهای ۷۵-۱۳۶۵ سالانه برابر ۲،۲۰۰،۰۰۰ نفر خواهد شد یعنی سالی ۲،۲۰۰،۰۰۰ بچه به جمعیت ایران اضافه می‌شود. این رقم در سه دوره ۵ ساله بعدی به ترتیب برابر ۲،۴۰۰،۰۰۰ نفر، ۲،۵۵۰،۰۰۰ و ۲،۷۵۰،۰۰۰ نوزاد در هر سال خواهد رسید.

ادامه دارد

ما وسیع است و ظرفیت جمعیت بیش از اینها را دارد همین تراکم را در نظر می‌گیرند ولی تراکم نسبی جمعیت برای مقایسه، شاخص مناسبی نیست، به خاطر اینکه فقط مکانهای قابل زیست باید در محاسبه احتساب گردند. کویرها، آبها، اراضی غیر قابل زیست، قتل مرتفع را باید از کل اراضی کنار گذاشت. به همین جهت تراکم دیگری که مورد محاسبه قرار می‌گیرد تراکم زیستی جمعیت می‌باشد یعنی خارج قسمت تعداد کل جمعیت به